



دکتر محدثه جزایی
دبیر انجمن علوم سیاسی شعبه خراسان

(آفاق)

راه سوم؛

الگوی زن ایرانی مسلمان

«زن ایرانی» مفهومی پرمایه است، دقیقاً به این معنا که هنگامی که از «زن» سخن می‌گوییم و آنگاه که صفت «ایرانی» را برای آن به کار می‌بریم، صحبت از یک جنسیت و یک کشور به تنهایی نیست. شاید درباره زن ایرانی بتوان این ادعا را مطرح کرد که نه اسیر موج‌های بی‌دلیل به دنبال منافع و حقوق خود است، نه پیرو خطی که به او ارتباطی ندارد. در نتیجه، زن بودن در جامعه ایرانی با هیچ کدام از تعاریف کلان موجود در ادبیات شرق و غرب هم‌خوان نیست. به همین دلیل، می‌توان از ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد زنان در ایران سخن گفت که در عین خاص‌بودگی، امکانات بالقوه تبدیل شدن به الگورا دارد. اما قبل از الگوسازی از زن ایرانی، باید با واکاوی وضعیت کنونی به این پرسش پاسخ داد که هم‌اکنون زنان ایرانی خود از چه الگویی پیروی می‌کنند. الگو نمونه‌ای است که با برجسته کردن ویژگی‌های خاص یک طیف، زمینه را برای پذیرش آن از سوی افراد جامعه فراهم می‌آورد. درباره زنان، به طور خلاصه می‌توان از ۲ الگوی سنتی و کلاسیک زن سخن گفت که هردوی آن‌ها هنوز هم در سراسر جهان دارای هواداران بی‌شمارند و از ابزارهای تبلیغاتی برای توجیه خود بهره می‌گیرند. نخستین الگوزن را پنهان شده در خانه و بدون حضور اجتماعی توصیف می‌کند، زنی که از ابتدای خلقت، طفیلی مرد است و بدون حضور جنس دیگر نمی‌تواند وجود داشته باشد. تفکر افراطی و تندروی شرقی، تبلیغ‌کننده چنین تصویری از زنانگی است که متعاقب آن، زن پنهان از چشم اجتماع و بدون هیچ گونه اثر و حضوری در جامعه تنها به اداره امور خانه می‌پردازد. چنین تصویری از زن و تأکید بر الگویی چنین، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای نوین جامعه باشد زیرا تربیت فرزندان، مهم‌ترین کار در خانه زنان است که بدون اطلاع و آگاهی از تحولات اجتماعی نمی‌تواند امکان‌پذیر باشد. یک مادر تا زمانی که محصور در خانه باشد، چگونه می‌تواند فرزندان را آماده نقش‌آفرینی در جامعه کند؟

در سوی دیگر طیف، الگوی سنتی از زن غربی است که بدون هیچ قیدوبندی تنها محدود به ساختارهایی است که تعریف خود از زن خوب را معطوف به جسم زن کرده است. از چنین نگاهی، زن اگرچه طفیلی مرد نیست، اسیر ساختارهایی است که ارزش و اعتبار یک زن را با ظاهر و تطبیق خلقیات او با شخصیت‌های سرمایه‌دارانه ارزیابی می‌کند. هردوی این الگوها گرفتار در نوعی افراط و تفریط هستند که زن را ورای ویژگی‌های انسان‌بودگی مورد توجه قرار می‌دهند. حال آنکه علی‌رغم تفاوت‌های ۲ جنس، جوهره انسان بودن فصل مشترک مردان و زنان است. نگاه ابزاری به زن، چه ابزاری برای گرم نگه داشتن مطبخ چه ابزاری برای اطفای خواهش‌های صرفا جسمی، به یک تناقض اساسی دچار است، تناقضی که حتی این الگوهای سنتی را به تکاپو برای تغییر وادار کرده است.

در میان این تغییرات، الگوی زن ایرانی مسلمان نیز که مقام معظم رهبری در سخنرانی‌شان در سال ۹۵ اعلام کردند از توان و ظرفیت برای ابراز وجود برخوردار است و می‌تواند در میان الگوهای رنگارنگ، که شاید هیچ کدام از آن‌ها توانایی تطبیق با منحصر به فردبودگی شرایط ایران اسلامی را نداشته باشد، حرفی برای گفتن داشته باشد. بیان ویژگی‌های این الگو بیش از هر چیز منوط به پاسخ‌دادن پرسش‌های بسیار است که قبل از همه آشکارکننده هویت زن ایرانی و مسلمان است، هویتی که در معرض هجوم روایت‌های گوناگون از الگوهای متعدد زن غربی و شرقی قرار دارد و در عین یافتن مشابهت‌های با آنان، نمی‌تواند خود را دقیقاً مشابه و هم‌راستا با آن‌ها بداند.

در نتیجه، ضرورت توجه به راه سوم به معنای کاوش در چیستی هویت زن ایران و جایگاه زن در جامعه ایرانی روشن است، توجهی که سال‌هاست از سوی بالاترین مقامات سیاسی و گروه‌های مختلف بارها بیان شده اما پاسخی درخور نیافته است. برای روشن شدن این راه و برجسته‌سازی چنین الگویی، ضمن به خدمت گرفتن امکانات موجود، اراده‌ای قوی برای انداختن طرحی نو نیاز است.

شهر بانو

شهر بانو

۲۰ شنبه
۳ آبان ۱۴۰۰
۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ شماره ۲۵۱۱

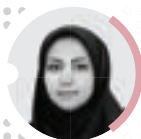
(۲)



عکس تزئینی است

(فروغ)

تکنم جاوید
کارشناس ارشد روانشناسی عمومی



عاشقی با شادی‌های کوچک

دارند و مخاطبان بسیار آنان پس از گذشت مدتی حال خوششان را گزارش کرده‌اند. روان‌شناسی مثبت‌گرا می‌گوید که هر کدام از ما می‌آموزد فکر، زمان و زندگی روزمره خود را صرف تفکر بر نقاط قوتی همچون خوش‌بینی، سلامتی، قدردانی، امید و ترقی کنیم.

حتی اگر زندگی سراسر مشکل و غم را تجربه کرده باشید، باز هم زمان‌هایی شادی عمیق را تجربه کرده‌اید، مواردی که ما به آن خوشبختی کوچک می‌گوییم. زمانی که در یک امتحان سخت نمره خوبی گرفته‌اید یا در محل کارتان موفق شده‌اید پروژه‌ای را تمام کنید یا تولد فرزندان و خوشحالی‌های کوچک دیگر، و مثبت‌اندیشی یعنی همین خرده‌شادی‌های کوتاه و گذرا و باید آن قدر حالمان را خوب کند که بتوانیم سختی‌های طولانی را تاب بیاوریم.

تحقیقات علمی نشان می‌دهند مثبت‌نگر بودن میزان تاب‌آوری افراد را افزایش می‌دهد. حالا دیگر می‌توان خوش‌بینی را آموخت. می‌توان مهارت مثبت‌نگری را یاد گرفت و بررسی‌ها می‌گوید خوش‌بینی آموخته‌شده مانعی می‌شود برای افسردگی و اضطراب. کاهش احساسات منفی اندک و پرورش احساسات مثبت زیاد و احساس رضایت از زندگی می‌تواند حال ما را بهتر کند. شاید به تدریج یاد بگیریم با همان خوشحالی‌های کوچک روزمره عاشقی کنیم.

هزاران جلد کتاب چاپ‌شده داخل قفسه‌های کتابفروشی‌ها، نسخه‌های الکترونیکی موجود در کانال‌ها و نسخه‌های صوتی کتاب‌های زیادی درباره‌اش نوشته‌اند: مثبت‌اندیشی زنان. زنان به این دلیل که خیلی زود انرژی‌های محیطی مثبت و منفی را دریافت می‌کنند و بسیار بیش از مردان به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند، به شدت در معرض آسیب‌های روحی و اختلالات خلقی هستند. از سوی دیگر، چون به همین اندازه توانایی انتقال آن به اطرافیان خود را دارند، سلامت روانشان اهمیت فراوانی دارد. همین هم هست که بسیاری از روان‌شناسان با تخصص مثبت‌نگری در تلاش اند روحیه مثبت و امیدواری را به حال روحی آنان تزریق کنند. نگرش اصلی این است که اگر توان تغییر جهان بیرون را نداریم، کاری کنیم که از درون کمتر آزار ببینیم. مثبت‌نگر بودن یک نگرش است که سبک زندگی‌مان را آسان‌تر و دوست‌داشتنی‌تر می‌کند. آن‌ها که وارد این عرصه شدند، با بهبود حال درونی خود، کیفیت زندگی‌شان را بالا می‌برند به اندازه‌ای که زندگی دلپذیرتر شود.

آدم‌های زیادی در زندگی خود دیده‌اید که خوش‌بین، صادق، پرانرژی و شادتر از دیگران هستند، با اینکه در زندگی مشترکشان با مشکلات مختلفی دست و پنجه نرم می‌کنند. برخی روان‌شناسان سعی در آموزش روش‌های آرام‌سازی درونی